

عوامل شکرگزاری در زندگی انسان از منظر قرآن و روایات

طیبه آقایی پور^۱

چکیده

شکر به معنای شناخت نعمت و احسان است. شکر خداوند به این معناست که بدانیم هر نعمتی که به ما می‌رسد از سوی خداست. هر انسانی به سبب فطرت و عقل به طور طبیعی نسبت به کسی که نعمتی به او داده است یا احسانی به او کرده، حالت شکرگزاری و احساس خضوع و فروتنی دارد. در قرآن و روایات شکرگزاری به عنوان خصلت نیک و ارزنده‌ای برای انسان بیان شده است و به گفته برخی از بزرگان از فضائل اخلاقی است. اسلام می‌خواهد انسان‌ها به درجه‌ای از یقین برسند که در هر حال شکرگزار خدا باشند. عواملی در ایجاد روحیه شکرگزاری موثر است که در این نوشتار با تکیه بر آیات و روایات از طریق تحلیل فیش‌های کتابخانه‌ای و اینترنتی، به آن پرداخته شد. این مقاله در سه بخش، عوامل شکرگزاری را بیان کرده: بخش اول عوامل شناختی را بیان می‌کند که شامل شناخت منعم، شناخت نعمت، وجود نعمت الهی و ابزارهای شناخت است. در بخش دوم به عوامل اعتقادی از جمله ایمان، تقوا، اخلاص و پذیرش ولایت الهی پرداخته. و در بخش سوم عوامل عقلی را در دو گفتار عقل و دانش بیان می‌کند.

کلیدواژه‌ها

شکر، شکرگزاری، نعمت، قرآن، روایات

^۱ سطح دو، مدرسه علمیه کوثر ابرکوه، aqayytybh86@gmail.com

مقدمه

شکرگزاری فرایندی است که انسان به واسطه آن از نعمت‌های بیکران پروردگار قدردانی می‌کند و «شکر» شناختن نعمت از منعم، آن را از خدا دانستن است. قلب انسان به مقتضای شکرگزاری در برابر موانع خاضع و خاشع می‌شود و بعد از آن شکر به قلب و زبان جاری می‌شود. خداوند نعمت‌های زیادی را به انسان داده که انسان از شمارش آنها عاجز و ناتوان است؛ طبیعتاً انسان از شکر این همه نعمت عاجز است، اما همین که انسان بداند که از شکر همه نعمت‌ها ناتوان است خود مقدمه‌ای برای شکرگزاری می‌باشد. خداوند نیازی به عبادت و تشکر بندگان ندارد و قرآن بارها به این حقیقت اشاره می‌کند که خداوند از انسان بی‌نیاز است اما شکرگزاری برای رشد و سعادت دنیا و آخرت اوست.

در قرآن و روایات شکرگزاری به عنوان خصلت نیک و ارزنده‌ای برای انسان بیان شده است. اسلام می‌خواهد انسان‌ها به درجه‌ای از یقین برسند که در هر حال شکرگزار خدا باشند اما با وجود اینکه شکرگزاری فطرتاً در انسان وجود دارد اما عواملی هستند که آن را تقویت می‌کنند، لذا این پژوهش در صدد بررسی عوامل تقویت کننده شکرگزاری در آیات و روایات می‌باشد.

پرداختن به موضوع شکرگزاری از آن جهت اهمیت دارد که باعث شناخت و آشنا شدن با علل و عوامل ایجاد روحیه شکرگزاری می‌شود علاوه بر آشنا شدن، شکرگزاری دارای آثار و برکاتی است که نتایج سودمندی را برای انسان به ارمغان می‌آورد و بررسی این موضوع کاری مهم و سودمند است.

بحث شکرگزاری از بحث‌های بنیادی زندگی بشر بوده و در تمام عصرها در زندگی انسان اهمیت بسیار زیادی داشته و به همین دلیل در کتاب‌های دینی و اخلاقی به این موضوع پرداخته شده است و پایان‌نامه‌ها و مقاله‌های زیادی در این موضوع نوشته شده است از جمله اخلاق در قرآن نوشته آقای مکارم شیرازی، مقاله نقش شکرگزاری در زندگی از حبیب الله فرحزاد، پایان نامه عوامل و موانع شکرگزاری از منظر آیات و روایات نوشته بتول محمدی اما مقاله حاضر در تلاش است تا عوامل ایجاد و تقویت روحیه شکرگزاری در زندگی انسان را از منظر قرآن و روایات بیان کند. و در سه بخش عوامل شناختی، اعتقادی و عقلی این بحث را تبیین می‌کند.

بخش اول: عوامل شناختی

شناخت به عمل یا فرایند بدست آوردن دانش و مفهوم از طریق تفکر، تجربه و حواس گفته می‌شود. در شکرگزاری شناخت مسئله مهمی است. شناخت را می‌توان در شناخت پروردگار، شناخت نعمت و ابزارهای شناخت دید. هرچه انسان به چیزی و آثار و فواید آن آگاه‌تر باشد واکنش مثبتی از خود نشان می‌دهد. در حقیقت شناخت فلسفه آفرینش اهداف آن زمینه شکرگزاری را در انسان فراهم می‌کند. در این بخش به عوامل شناختی مربوط به شکرگزاری می‌پردازیم:

شناخت

جایگاه شکر را می‌بایست در شناخت پروردگار، شناخت نعمت و ارزش آن برای انسان جست، زیرا هرچه انسان به چیزی و آثار و فواید آن آگاه‌تر باشد واکنش مثبت و سازنده‌ای از خود بروز می‌دهد از این رو هرچه انسان نسبت به منعم خود و نعمت‌هایی که خدا به ما ارزانی داشته شناخت بهتری داشته باشد طبیعتاً بیشتر در مسیر شکرگزاری قرار می‌گیرد و خداوند سپاسگزاران را انسان‌هایی می‌شمارد که بر اساس حکمت عمل می‌کنند. در حقیقت شناخت فلسفه آفرینش و اهداف وجودی خود و نعمت‌هایی که خداوند به انسان داده است زمینه شکرگزاری انسان را فراهم می‌کند در اینجا به مبحث شناخت منعم و شناخت نعمت و ابزارها شناخت پرداخته شده است.

شناخت منعم

بی تردید انسان در زندگی روزمره خود غرق نعمت‌های فراوانی است عقل هم درک می‌کند که این نعمت‌ها نعمت دهنده‌ای دارد که باید از او تشکر کرد شکرگزاری و سپاس از خداوند تنها در سایه شناخت او مقدر از پس عقل حکم می‌کند که به دنبال شناخت منعم بود تا بتوان حق شکر او را به جا آورد.^۱

مسئله شکر منعم نخستین گام در طریق شناخت خداست و به تعبیر دیگر -همانگونه که علمای علم عقاید و کلام تصریح کرده‌اند- انگیزه حرکت به سوی شناخت خداوند همان مسئله شکر نعمت است؛ چرا که انسان هنگامی که چشم باز میکند خود را غرق نعمت‌های فراوانی می‌

^۱برنجکار، مقاله کار بست عقل عملی در استنباط آموزه های کلامی با تکیه بر متون کلامی

ببند و بلافاصله وجدان او وی را به شناخت بخشنده نعمت دعوت میکند و این آغاز راه برای شناخت خداست.^۱

شناخت خداوند زمینه شکرگزاری را فراهم می‌کند انسان وقتی بداند هرچه دارد از خداست می‌کوشد تا در جهت رضایت او حرکت کند و شکرگزار تمام نعمت‌هایش باشد. همانطور که در کلام امام صادق علیه السلام است فرمودند: «پایین‌ترین درجه شکر دیدن همه نعمت‌ها از جانب خدا، بدون اینکه دل به چیزی غیر از خدا وابسته باشد و خشنودی به داده خداست و این که با نعمت خدا گناه نکنی و به واسطه نعمتی که خدا داده است امر و نهی خدا را مخالفت نکنی.»^۲

شناخت نعمت

شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین شاخص‌های شکرگزاری مربوط به شناخت نعمت می‌شود زیرا تا زمانی که انسان شناختی نسبت به نعمت و نعمت‌دهنده نداشته باشد قدردانی و تشکر نمی‌کند شناخت نعمت اینگونه پیدا می‌شود که انسان بداند و متوجه باشد که تمام نعمت‌ها آشکارش و پنهانش همه و همه از اوست و منعم حقیقی اوست و همه این واسطه‌ها تحت فرمان او هستند.^۳

علامه طباطبایی در بخشی از تفسیر آیه ۱۴۴ آل عمران می‌فرماید حقیقت شکر و شکرگزاری اظهار نعمت است، همچنان که کفر، مقابل آن است یعنی پنهان کردن نعمت و سرپوش روی آن نهادن است، و اظهار نعمت به این معنا است که آن را در جای خود استعمال کنی، آنجایی که دهنده نعمت در نظر داشته و نیز اظهار نعمت به این است که آن را به زبان بیاوری و منعم را در برابر دادن این نعمت، ثنا بگویی و مرحله دیگر اظهار نعمت این است که در قلب هم به یاد آن و به یاد منعم باشی و از یادش نبریم.^۴

^۱ مکارم شیرازی، اخلاق در قرآن، ج ۱، ص ۱۰۵

^۲ مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۵۲

^۳ درویشی، مقاله واکاوی شکرگزاری مبانی نظری و شاخصه‌های بارز آن در قرآن و حدیث، ص ۱۰۴

^۴ عابدین پور، مقاله عوامل ایجاد و تقویت شکرگزاری از دیدگاه اسلام

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «فِيمَا أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى مُوسَى ع يَا مُوسَى اشْكُرْنِي حَقَّ شُكْرِي فَقَالَ يَا رَبِّ وَ كَيْفَ أَشْكُرُكَ حَقَّ شُكْرِكَ وَ لَيْسَ مِنْ شُكْرِ أَشْكُرُكَ بِهِ إِلَّا وَ أَنْتَ أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ قَالَ يَا مُوسَى الْآنَ شَكَرْتَنِي حِينَ عَلِمْتَ أَنَّ ذَلِكَ مِنِّي؛^۱ خدای تعالی به موسی علیه السلام نیز می‌فرماید: ای موسی مرا چنان که باید شکر کن موسی عرض کرد چگونه تو را چنان که باید شکر گویم حال آنکه هر شکری که تو را می‌گویم خود نعمتی است که تو به من ارزانی داشته‌ای فرمود ای موسی حال که دانستی توفیق آن شکر را هم من به تو داده‌ام شکر را ادا کرده‌ای.

شناخت نعمت الهی نیز دارای آثاری برای انسان می‌باشد که می‌توان به آنها اشاره نمود: پرهیز از فساد و فساد گری، تسبیح خدای سبحان، رستگاری و خوشبختی، شکر و سپاس. شناخت نعمت آثار فراوانی بر زندگی انسان خواهد داشت به طوری که با شناخت نعمت به وجود منعم پی برده و به دنبال دلیل این همه تفضلات از جانب خدا خواهد بود. اینجاست که انسان متوجه عظمت درونی و ذاتی خود می‌شود و سعی در نزدیک شدن به رضایت الهی و شکوفا کردن استعدادهای درونی خود که همان کرامت اکتسابی و هدف از خلقت است می‌باشد.^۲

ابزار شناخت

اصولاً انسان یک موجود نیازمندی است که احتیاجات او از بیرون تامین می‌شود او در برابر کسانی که نیازهای او را برآورده می‌کنند حالت شکر و انقیاد دارد؛ از این رو خداوند در آیات سوره نحل بار دیگر برای توجه دادن انسان به خدای یگانه به مسئله نعمت می‌پردازد و نعمت علم و آگاهی را مطرح می‌کند.^۳

قرآن در آیه ۷۸ سوره نحل می‌فرماید: «وَ اللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ اوست خدایی که شما را از شکم‌های مادرانتان بیرون آورد در حالی که شما هیچ نمی‌دانستید»، یعنی از نظر شناخت هیچ چیز را نمی‌شناختید. «وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْبَصَارَ؛ و برای شما گوش و چشم‌ها و دیده‌ها قرارداد» می‌دانی که در میان حواس انسان، آن حواسی که بیش از همه در شناسایی تاثیر

^۱ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۹۸

^۲ محمدی، مقاله عوامل، موانع و آثار شکر در زندگی انسان از منظر آیات و روایات، ص ۶۰

^۳ بهرام‌پور، تفسیر مبین، ص ۲۷۵

زندگی ما مقرون به نعمت‌های متعددی است که از تلاش ما به دست نیامده است و علم امروز می‌گوید وجود و بقای ما هزاران شرط لازم دارد که پیش از آمدن انسان به کره زمین آفریده شده‌اند و عقل شکر منعم را نیکو و یا لازم می‌داند باید صاحب نعمت را بشناسیم و او را شکر کنیم نعمت‌ها از ما نیست باید مطابق با رضای مالک آنها در آنها تصرف کنیم.^۱

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «ستون انسانیت عقل است و از عقل، زیرکی، فهم، حفظ و دانش برمیخیزد. با عقل، انسان به کمال می‌رسد عقل راهنمای انسان بینا کننده و کلید کارهای اوست هرگاه عقل با نور یاری شود دانا حافظ تیزهوش و فهیم می‌شود و بدین وسیله پاسخ چراغ و کجا را می‌فهمد و خیرخواه و دغلكار را می‌شناسد و هرگاه این را دانست مسیر حرکت خویش و بیگانه را می‌شناسد و در توحید و طاعت خدا اخلاص می‌ورزد و چون چنین کرد آنچه از دست رفته را جبران می‌کند و بر آنچه در آینده می‌آید چنان وارد می‌شود که می‌داند در کجای آن است و برای چه منظوری در آنجاست. از کجا آمده و به کجا می‌رود و این همه از پرتوی تایید عقل است.^۲

قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» ما به حقیقت راه (حق و باطل) را به او نمودیم حال خواهد (هدایت پذیر باشد) و شکر این نعمت گوید و خواهد آن نعمت را کفران کند^۳

هدایت الهی سه قسم دارد: یک قسم هدایت تکوینی به اینکه انسان عقل و شعور و ادراک دادیم که ممیزی حسن و قبح و نفع و ضرر و خیر و شر و سعادت و شقاوت و نجات و هلاکت و خوبی و بدی است و تمام اسباب را هم در دسترس او قرار دادیم از اجزا و اعضای بدنی و قوی و حواس ظاهریه و باطنیه از سمع و بصر و شم و ذوق و لمس و حس مشترک و حافظه و عاقله و متخیله و غیر اینها و برای تعیش و زندگانی او تمام اسباب را خلق کردیم.^۴

^۱ محسنی، عجایب و مطالب، ج ۱، ص ۱۱۲

^۲ کلینی، کافی، ج ۱، ص ۲۵

^۳ انسان: ۳

^۴ طبیب، تفسیر اطیب البیان، ج ۱۷، ص ۳۱۲

هر انسانی به حکم عقل به این نتیجه می‌رسد که می‌بایست در برابر افرادی که به گونه‌ای کاری و یا نعمتی را به وی می‌دهند شکر کند بدون شک هر کسی در هر مقامی باشد انتظار دارد که در برابر کار پسندیده‌ای یا نعمتی که داده است از او تشکر شود انسان عاقل هم با شکرگزاری همه نعمت‌هایی که خداوند به او داده است پیوند عشق و محبت را بین خود و خداوند محکم‌تر می‌کند.

لزوم شکر منعم و جوب عقلی است

آیا وجوب شکر منعم یک حکم مطلق عقلی است؟ به عبارت دیگر حکم عامی است که همه مراتب شکر و همه مراتب انعام و منعم را در بر می‌گیرد یا اینکه اینطوری نیست؟ ما یقین داریم که عقل نمی‌گوید که در برابر هر منعمی همه مراتب شکر واجب است چنین چیزی قطعی نیست اصلاً عقل چنین دریافتی ندارد مثلاً کسی که احسان مختصری کرده است و می‌گوید باید همه مراتب شکر را انجام دهید چنین چیزی نیست یا حتی مطلق شکر برای مطلق انعام‌ها واجب نیست بلکه آنچه عقل می‌فهمد حکمی مطلق در عقل است و آن حسن شکر منعم است این حکم مطلق است حسن و رجحان به معنای مطلق.^۱

لزوم شکر منعم امری فطری و درونی است انسان با رجوع به عقل و فطرت خویش پی به این حقیقت می‌برد که باید در برابر هر کس که به او نعمتی عطا کرده یا خدمتی نموده بی‌تفاوت نباشد و به گونه‌ای از او تشکر و قدردانی کند وگرنه از طرف عقل خود مورد مواخذه قرار خواهد گرفت و عقلاً نیز او را مذمت کرده و از حیوانات پست‌تر می‌دانند؛ زیرا این خصلت شاکر بودن در بسیاری از حیوانات به خوبی مشهود است. با توجه به این حکم عقل است که وقتی انسان متوجه می‌شود که قدرتی بی‌همتا سرمایه‌های وجودی و نعمت‌های مادی و معنوی بزرگ، با ارزش و بی‌شماری را به وی عطا نموده بر خود لازم می‌بیند که در برابر چنین ولی نعمتی بی‌تفاوت نبوده و تا جایی که برایش امکان دارد از نعمت‌هایش تشکر کند و در برابر کرامت و بزرگی‌اش سر تعظیم فرود آورد و سپاس خود را به او ابراز کند داشتن چنین روحیه‌ای که به طور فطری در همه انسان‌ها وجود دارد همگان را به تلاش در راه شناخت منعم ملزم می‌کند؛ زیرا پس از مرحله شناخت است که امکان قدردانی و تشکر میسر می‌شود.^۲

^۱ افشاری، مقاله شکر و آثار تربیتی آن در معارف علوی، ص ۱۸

^۲ محمدی، مقاله عوامل، موانع و آثار شکر در زندگی انسان از منظر آیات و روایات، ص ۸۲

آیات مختلف به حکم عقل، ارشاد و راهنمایی می‌کند خداوند در آیات متعددی انسان‌ها را به این وظیفه مهم متنبه ساخته است. از جمله سوره انعام آیه ۵۰ و ۳۲ در واقع اگر خداوند امر به شکر نعمت هم نکرده بود عاقل به حکم عقل خود را مکلف به شکرگزاری می‌یافت. البته خداوند در عین اینکه انسان‌ها را به استفاده از عقل و اندیشه سوق می‌دهد نسبت به این امر خطیر هم فرمان می‌دهد. از جمله در سوره نحل می‌فرماید: «پس از آنچه خدا روزی حلال و پاکیزه برای شما قرار داده است تناول کنید و شکر نعمت خدا را به جای آورید اگر حقیقتاً او را می‌پرستید»^۱

نتیجه گیری

شکر از مراتب کمال انسان است و شکرگزاری مورد توجه و سفارش خدای متعال و وظیفه همه انسان‌هاست. در قرآن و روایات به آن توصیه شده و آثار زیادی برای انسان به همراه دارد. امروزه شکرگزاری نقش مهمی در زندگی انسان دارد و احساس شادی و خوش بینی را در افراد پرورش می‌دهد و آنها را در مسیر موفقیت و رشد فردی قرار می‌دهد. عواملی در شکرگزاری موثر است که در این پژوهش در سه بخش به آنها اشاره شده است. بخش اول مربوط به شناخت منعم، شناخت نعمت، وجوب نعمت‌های الهی و ابزار شناخت می‌باشد و بیان می‌کند اگر کسی نسبت به نعمت و نعمت دهنده شناخت داشته باشد می‌تواند در مسیر شکرگزاری قرار گیرد. در بخش دوم به عواملی چون ایمان، تقوا، اخلاص و ولایت الهی اشاره شده است. انسان با ایمان و تقوا در حقیقت شکرگزار تمام نعمت‌های خدا است هرچند در مصیبت و بلا. در بخش سوم به عقل و دانش پرداخته می‌شود. با وجود اینکه شکرگزاری از فضایل اخلاقی در انسان است اما بسیار مورد غفلت قرار می‌گیرد پس بیان عوامل و شناخت آنها می‌تواند باعث تقویت شکرگزاری در انسان شود.

^۱ شعبان‌زاده، شکرگزاری و تاثیرات آن از دیدگاه قرآن و حدیث، ص ۷۸

منابع

- ❖ قرآن کریم
- ❖ نهج البلاغه
۳. افشاری، اکرم، «پایان نامه شکر و آثار تربیتی آن در معارف علوی»، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، گروه آموزشی معارف اسلامی، استاد راهنما محمد اخوان، شهریار ۱۳۹۵ه.ش.
۴. برنجکار، رضا، مقاله کار بست عقل عملی در استنباط آموزه های کلامی با تکیه بر متون کلامی
۵. بهرام پور، ابوالفضل، تفسیر مبین، بی جا: آوای قرآن، چاپ چهارم، ۱۳۹۶ه.ش.
۶. حسینی شاه عبدالعظیمی، تفسیر اثنا عشری، تهران: انتشارات میقات، چاپ اول، بی تا.
۷. الحلوانی، حسین بن محمد، نزهت الناظره و تنبيه الخواطر، قم: مدرسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۸ه.ق.
۸. درویشی، حسین، «پایان نامه واکاوی شکرگزاری مبانی نظری و شاخصه های بارز آن در قرآن و حدیث»، دانشکده علوم انسانی، موسسه آموزش عالی باختر ایلام، استاد راهنما فرحناز وحیدی، ۱۳۹۴ه.ش.
۹. رسولی نیا، انسیه، «پایان نامه عوامل زوال و پایداری نعمت در قرآن کریم و نهج البلاغه»، دانشگاه قرآن و حدیث پردیس تهران، استاد راهنما حامد شریعتی نیاسر، ۱۳۹۶ه.ش.
۱۰. روزنامه کیهان، ۸ تیر ۱۳۹۷ه.ش.
۱۱. طباطبایی، تفسیر المیزان، قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ه.ق.
۱۲. طیب، سید عبدالحسین، تفسیر اطبیب البیان، تهران: انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸ه.ش.
۱۳. عابدین پور، مهدیه، «عوامل ایجاد و تقویت شکرگزاری از دیدگاه اسلام»، حوزه علمیه خواهران ابرکوه یزد.
۱۴. فرحزاد، «مقاله نقش شکرگزاری در زندگی»، نشریه ره توشه، شماره ۱۱۰، ۱۳۹۷ه.ش.

۱۵. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ چهارم، ۱۳۷۹ ه.ش.

۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، اصول کافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ه.ق.

۱۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه.ق.

۱۸. _____، مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ه.ق.

۱۹. محسنی، محمد آصف، عجایب و مطالب، بی‌جا: حوزه علمیه خاتم النبیین، ۱۳۹۱ ه.ش.

۲۰. محمدی، بتول، «پایان نامه عوامل موانع و آثار شکر در زندگی انسان از منظر آیات و روایات»، مرکز پیام نور دلیجان استان مرکزی، ۱۳۹۹ ه.ش.

۲۱. مطهری، مرتضی، مسئله شناخت، تهران: کانون توحید، ۱۳۹۷ ه.ش.

۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه امام علی بن ابیطالب، چاپ اول، ۱۳۷۷ ه.ش.

۲۳. _____، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ه.ش.

۲۴. ورام بن أبی فراس، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعه ورام، قم: مکتبه فقیه، چاپ اول، ۱۴۱۰ ه.ق.

۲۵. [www. Makarem.ir](http://www.Makarem.ir)